



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

چهارشنبه ۱۲ جولای ۲۰۲۳

انار گل خوستی

به ادامه سفسطه گویی های آقای ملکیار در مورد

هنرمند بی بدیل احمدظاهر

قسمت دهم

آقای ملکیار باز هم وکیل دعوای سه شخص ایکه عبارت باشند از محبوب الله پاچا و دو دختر به نام های شکيلا و شهناز که در دسیسه قتل شهید احمدظاهر رول اساسی داشتند، گردیده و قتل هنرمند را سوظن ها و اتهامات شمرد و در مجادله با حقایقی هستند که توسط اکثریت قاطع هموطنان، دوستان هنرمند و بالاخره فامیل شهید احمدظاهر به توطئه و قتل هنرمند توسط رژیم بر سر اقتدار با دسیسه سه نفر که در بالا نام های شان ذکر شد، منجر گردید.

تعجب در این است که شما گفته های محترمه ظاهره ظاهر خواهر هنرمند شهید را، به دلیل این که ایشان در زمان وقوع حادثه در افغانستان نبودند، فلذا باطل است، قبول ندارید.

نخیر محترم آقای ملکیار حضور نداشتن محترمه ظاهره ظاهر در کشور بدین معنی نیست که وی از جریان بیخبر گذاشته شده باشد، چطور شما به خود اجازه می دهید که گفته های خواهر را غلط و تخیلات خود را به بسیار درماندگی به زعم خود، به کرسی نشانید.

آقای ملکیار فکر می کنم که این داستان دنباله دار تان از یک روز تا روز دیگر و در هر قسمت با ضد و نقیض های فراوان همراه می باشد. من کوشیده ام که شما را هر مرتبه متوجه ضد و نقیض نویسی تان نمایم.

یک - مثلاً در نوشته های قبلی تان از یکی از دوستان احمد ظاهر شهید نقل قول نموده بودید که داکتر ظاهر خان بدون جسد به طرف کابل می رفت و جسد در دهلیز شفاخانه انداخته شده بود، و در مضمون امروز تان می فرمایید که جسد را تسلیم داکتر ظاهر خان نمودند و چند روز بعد داکتر ظاهر خان به پروان رفته و راپور را امضاً نمود.

شما چگونه می توانید که رژیم سر اقتدار را برائت بدهید. برای آن رژیم خون آشام اصلاً گرفتن امضاً مشکل نبود، زیرا به زور اسلحه و شکنجه هدف شان را برآورده می ساختند.

دو - شما باز هم می فرمایید که من خودم ملکیار اعلان تکان دهنده را از رادیو شنیدم، به شما چطور اعتبار شده می تواند که راست می گوئید؟

زیرا در قسمت اول یا دوم مضمون تان ذکر نموده بودید که شما موتر را در ریاست ترافیک در دهمزنگ رفته و از نزدیک معاینه نموده بودید، در حالیکه موتر یکی دو هفته بعد توسط محترم آقای عبدالله اعتمادی از پروان راساً به خانه محترم داکتر ظاهر خان آورده شده بود.

- باز هم به گفته محترم ظاهره ظاهر انتقاد نموده و می نویسید که سه همراه را محترم ظاهره ظاهر سالم گفته بودند.

و قرار گفته شما (باید علاوه کنم که آیا شما در قضیه حکم بودید؟) راکبین دیگر که عبارت باشد از محبوب الله پاچا توت، توت و پرچه، پرچه شده بود و دو دختر همراه شان نیز در شفاخانه انتقال داده شده بودند.

- آقای ملکیار، قبلاً به ارتباط موضوع زخمی شدن محبوب الله پاچا ، چند سطری از محترم آقای نسیم اسیر که در وبسایت آریانا افغانستان نشر شده بود، برای تان ارائه نمودم. لازم نیست که زیادتر در این موضوع بپیچید زیرا به غیر از به خطا رفتن سودی دیگری برای تان ندارد.

- در مورد دو خواهر که حالا شما پا ها را در یک موزه کرده و می گوید که آن ها نیز زخمی شده بودند، در حالیکه حتی خود محبوب الله پاچا باوجودیکه در حالت بیهوش و جو جو بود، قصه های آن دو خواهر را شنیده بود و هم چکر زدن شان را در دهلیز شفاخانه دیده بود.

- اگر پسر آقای ملک خان عبدالرحیم زی در شفاخانه به دیدن محبوب الله رفته، چه را می تواند ثابت کند، معلومدار محبوب الله پاچا قصه ساخته و بافته خود را تقدیم وی نموده است، دروغ ایکه تمام نفوس افغانستان می داند، لکن شما می خواهید که هر طور شده وی را برائت بدهید، چرا؟

- بالاخره نوبت به مامای دو دختر ایکه به خاطر رها شدن پدر شان به این توطئه لبیک گفتند، رسید شما چطور فکر کرده می توانید که مامای دختر ها بگویند که خواهرزاده هایم به خاطر پدر شان که از زندان آزاد شود، این بد را کرده اند؟ معلومدار درست بودن دسیسه را رد می کند.

- آیا مامای دختر ها حاضر می شود که بگویند، که بلی با این کار شان پدر شان، یعنی شوهر خواهر من فوراً از زندان آزاد شد و موتر بنزش برایش دوباره مسترد گردید؟

- حتماً در قسمت بعدی می نویسد که آن دو دختر را پیدا کردید و می گویند که حادثه بود، نه دسیسه. شما می خواهید کی را بازی بدهید؟ و چرا؟

بلی آقای ملکیار این سه نفر متهم به خیانت، جنایت، نامردی، دسیسه، توطئه و تباری با دستگاه ظالم رژیم کمونیستی هستند.

شرط انصاف همان است که شما دیگر روح آن شهید را نا آرام نسازید.

باور داشته باشید که محترمه فخریه و محترمه ظاهره ظاهر و باقی دوستان و ارادتمندان آن هنرمند بی بدیل زیادتیر به روح آن شهید فکر می کنند، اگر این واقعه حادثه می بود آن ها به هیچ وجه حاضر نمی شدند روح وی را نا آرام بسازند.

- شما می گویند که برای کسانی که به دسیسه و قتل با تفنگچه باور دارند، باید کوشش نمایند تا اولتر از همه، برای قتل و فیر تفنگچه، سند و شاهد عینی و راپور طبی ارائه کنند.

نتنها یک شاهد، بلکه شاهدان، مانند فامیل روان شاد احمد ظاهر، مرحوم داکتر بالمکنداس، دو دوست شهید احمد ظاهر آقایان محترم ولید اعتمادی و محترم عبدالله اعتمادی و تمام نفوس افغانستان شاهد هستند، تنها شما به تمام قوت هر دو پای را در یک موزه داخل نموده و می خواهید توطئه را حادثه ثبوت کنید.

دلیلش معلوم نیست، که چرا بعد از چهل و چهار سال سر زخم فامیل و هواداران هنرمند که تمام مردم کشور است، تلاش دارید نمک بپاشید؟

چرا بعد از چهل و چهار سال وکیل دعوی عاملین قتل گردیده اید؟

برای شهرت پیدا کردن راه درست را انتخاب نکرده اید.

روح هنرمند بی بدیل شاد و یادش گرامی باد.